



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۳/۱۴

نویسنده: ن. جلیل زاد

{مگس های آن طرف دریای آمو که از کشور شوراها بیایند برایم طیاره ای جت اند}

خانم ثریا بها ..

من باور ندارم که این خانم به پوست پاک باشد ، که نیست .

ثریا بها در کتاب (آتش در باد) از سلطان علی کاشمند نوشته است :

که [کاشمند در صحبت هایش می گفت :

بحث درباره نقش سلطان علی کاشمند و دیگر چهره های وابسته به حزب دموکراتیک خلق افغانستان در تاریخ معاصر افغانستان همواره با نگاه های بسیار متفاوت و گاه بسیار انتقادی همراه بوده است .

برخی منتقدان این جریان معتقدند که گفته ها و خاطرات نقل شده از کاشمند، از جمله نقل قولی که در کتاب رها در باد آمده، نمادی از ذهنیتی است که بیش از آن که به استقلال سیاسی افغانستان تکیه کند، به قدرت بیرونی و حمایت خارجی چشم دوخته بود.

در این روایت، جمله ای که به او نسبت داده می شود، این که حتی ،

[[«مگس های آن سوی دریای آمو اگر از کشور شوراها بیایند برایم طیاره جت می آید »]]

از نگاه منتقدان تنها یک اغراق ساده یا شوخی سیاسی نیست .

آنان آن را بازتاب نوعی وابستگی عمیق به ساختار قدرت اتحاد جماهیر شوروی می دانند، وابستگی ای که به باور بسیاری از تحلیلگران، در نهایت راه را برای بحران بزرگ پس از کودتای ننگین ثور ۱۹۷۸ و سپس مداخله نظامی شوروی در افغانستان هموار کرد.

منتقدان می گویند چنین طرز فکر سیاسی، نماد دوره ای بود که بخشی زیاد از نخبگان حاکم به جای اتکا به مشروعیت داخلی و گفت و گوی ملی، قدرت را در پیوند با پشتیبانی خارجی تعریف می کردند .

از این زاویه، آن جمله نه فقط یک خاطره شخصی، بلکه تصویری از فضایی سیاسی است که در آن غرور قدرت و اتکای بیرونی، جای عقلانیت سیاسی و مصالح درازمدت کشور را گرفت، فضایی که بسیاری آن را یکی از آغازگاه های بحران های طولانی و بی ثباتی در تاریخ معاصر افغانستان می دانند.

نقد تاریخی و افشاگرانه نقش حزب دموکراتیک خلق در آغاز فاجعه پنجاه ساله افغانستان.

تاریخ افغانستان را اگر ورق بزنیم، نقطه ای وجود دارد که همچون زخم باز، هنوز می سوزد.

کودتای ننگین ثور و ظهور حزب دموکراتیک خلق .

این حزب، با شعار عدالت و ترقی آمد، اما در عمل، یکی از تاریک ترین فصل های تاریخ کشور را رقم زد .

رهبران آن، از هر جناح و هر شاخه، با تصمیم هایی که نه بر اساس خرد سیاسی، بلکه بر اساس تقلید کورکورانه از مدل های بیگانه بود، افغانستان را وارد مسیری کردند که هنوز هم از پیامدهایش رهایی نیافته ایم.

مشکل اصلی این حزب، نه فقط ایدئولوژی وارداتی اش بود، بلکه قطع رابطه کامل با واقعیت های جامعه افغانستان .

آنان تصور می کردند که می توانند با نسخه های شوروی، جامعه ای را که بر سنت، ساختارهای محلی و بافت اجتماعی پیچیده استوار بود، یک شبه دگرگون کنند .

نتیجه، چیزی جز انفجار اجتماعی نبود.

سیاست های تند، تصفیه های خونین، زندانی سازی های گسترده، اعدام های بی محاکمه، و سرکوب هر صدای مخالف، کشور را به آستانه فروپاشی کشاند .

هزاران انسان بی گناه در پلچرخی و زندان های مخفی ناپدید شدند .

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

هزاران خانواده در سوگ عزیزان شان نشستند. این حزب، با تکیه بر حمایت مستقیم شوروی، افغانستان را به میدان جنگ نیابتی تبدیل کرد، جنگی که آتش آن هنوز خاموش نشده است. رهبران حزب، به جای درک واقعیت های جامعه، به جای گفت وگو با مردم، به جای اصلاح تدریجی، به زور، به خشونت و به ایدئولوژی متکی شدند. آنان تصور می کردند که با تکیه بر «برادر بزرگ» در شمال، می توانند کشور را از نو بسازند. اما آنچه ساختند، ویرانی بود. این همان جایی است که چرخه پنجاهساله بی ثباتی آغاز شد: کودتای ثور → اشغال شوروی → جهاد بی افتخار مسلحانه → جنگ های داخلی → ظهور طالبان → سقوط دولت ها → بازگشت طالبان. ریشه این زنجیره فاجعه بار، در همان تصمیم های شتاب زده و بی ریشه حزب دموکراتیک خلق نهفته است. تاریخ افغانستان را اگر با صداقت بخوانیم، می بینیم که این حزب، با تمام ادعاهایش، دروازه جهنمی را گشود که نسل های بعدی مجبور شدند بهای آن را بپردازند.

آرشیف: مطالب نشر شده ن. جلیل زاد

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په ځير و لولئ